

ساختاری که بر پایه تبعیض است

محمد ربیعی

کارشناسی ارشد ارتباطات



نظریه نژادی انتقادی (critical race theory)، یک گرایش نظری در علوم اجتماعی است که به تحلیل نقش نژاد و نژادپرستی در ساختارها و نظام‌های اجتماعی آمریکا می‌پردازد. این نظریه به‌عنوان یک ابزار تحلیلی قدرتمند در انتقاد از تبعیض نژادی و تفاوت‌های نژادی در جامعه‌ها، به‌ویژه آمریکا شناخته می‌شود. در این مقاله، به بررسی عمیق‌تر نظریه انتقادی نژادی و نقش آن در جامعه آمریکایی می‌پردازیم.

می-ترسد و آموزش، ترویج و گسترش آن را در مدارس و سایر نهادهای اجتماعی ممنوع می‌کند؟ در ادامه، سعی شده است که با بیان چپستی و ابعاد این نظریه، به این سؤال پاسخ داده شود.

تعریف نظریه انتقادی نژادی (CRT)

نظریه انتقادی نژادی، یک رویکرد فلسفی و اجتماعی است که به تبعیض نژادی به عنوان یک مسئله سیستماتیک در جامعه تأکید دارد. این نظریه تلاش می‌کند تا علل اجتماعی و سیاسی تبعیض نژادی را با دقت تجزیه و تحلیل کند. نظریه انتقادی نژادی، یک دیدگاه تحلیلی در زمینه علوم اجتماعی است که به بررسی عمیق و نقادانه تبعیض نژادی و نقش آن در جامعه می‌پردازد. این نظریه از دیدگاه تحلیلی، به تبعیض نژادی به عنوان یک سیستم اجتماعی نگاه می‌کند و سعی دارد علل، تأثیرات و پیامدهای آن را در سطح فردی و اجتماعی بررسی کند؛ در واقع، نظریه انتقادی نژادی تلاش می‌کند تا تبعیض نژادی را به شکلی کاملاً تحلیلی و نقادانه مورد بررسی قرار دهد و نقش نژادپرستی و سیستم‌های تبعیض نژادی را برای درک بهتر پدیده‌های نژادی در جامعه بشناساند. [۲] در این نظریه، مفاهیمی مانند تفکر کریتیکیال (تفکر منتقدانه) و تحلیل قدرت (power analysis) بسیار مهم هستند. نظریه انتقادی نژادی بر اساس چند مبنای اصلی شکل می‌گیرد. این مبانی شامل تأکید بر نقش تبعیض نژادی به عنوان یک سیستم ساختاری، تأکید بر نقش نژادپرستی در تعمیق تبعیض و تأکید بر تأثیرات تبعیض نژادی در زمینه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی است. [۳]

تبعیض نژادی در جامعه آمریکا، یک مسئله بسیار مهم و پیچیده است که از دهه‌ها به عنوان یک چالش اساسی در ساختار اجتماعی این کشور وجود دارد. این تبعیض معمولاً به تفاوت‌ها و تباها‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی میان افراد گروه‌های نژادی مربوط می‌شود که می‌توان نمود آن را در عرصه‌های مختلفی چون درآمد و ثروت، تحصیلات و آموزش، بهداشت و مراقبت‌های پزشکی و نظام کیفری مشاهده کرد. در همین مورد، یکی از مفاهیمی که اندیشمندان و محققان علوم انسانی با استفاده از آن به وضعیت تبعیض نژادی در آمریکا می‌پردازند، نظریه نژادی انتقادی (critical race theory) است. نظریه نژادی انتقادی، به یک نقطه داغ در فرهنگ آمریکا تبدیل شده است؛ چرا که بسیاری از افراد در آمریکا، تاریخ نژادی این کشور را نمی‌پذیرند. چگونگی تأثیر آن در حال حاضر را نادیده می‌گیرند. بر اساس نظر محققان آمریکایی، این نظریه تمام افراد سفید را به عنوان ستمگران و تمام افراد سیاه را به عنوان قربانیان بی‌امید تعریف نمی‌کند بلکه به نقد و تبیین این موضوع می‌پردازد که چگونه نظام‌های اجتماعی آمریکا (مانند نظام عدالت کیفری، نظام آموزش، بازار کار، بازار مسکن و نظام بهداشت)، با قوانین و رویه‌های تعبیه شده در ساختارشان، به تفاوت‌های نژادی منجر می‌شوند؟

اما در حال حاضر، نه تنها نهادهای ایالتی در ایالات متحده بلکه شوراهای مدارس نیز تلاش می‌کنند تا تدریس نظریه نژادی انتقادی را ممنوع کنند. [۱] سؤال اصلی آن است که نظریه نژادی انتقادی، چه مفهومی را پردازش می‌کند که حکومت آمریکا از رویارویی با آن

تاریخچه تئوریک نظریه نژادی انتقادی

تاریخچه نظریه نژادی انتقادی به عنوان یک جریان تحلیلی در علوم اجتماعی و مطالعات نژاد در زمینه نقد و تحلیل تبعیض نژادی در جوامع مدرن بازمی‌گردد. این نظریه در دهه ۱۹۶۰ میلادی در آمریکا شکل گرفت و بعدها به عنوان یک چارچوب تجزیه و تحلیل بر پایه نظریه انتقادی، در دهه ۱۹۷۰ در نوشته‌های چندین دانشمند حقوقی آمریکایی شامل دریک بل، آلن فریمن، کیمبرل کرنشاه، ریچارد دلگادو، چرلز لارنس سوم، ماری ماتسودا و پاتریشیا ویلیامز به وجود آمد و به وسیله نظریه پردازانی همچون فرانک فانون، هربرت مارکوز، پولو فریره، بل کوهن، کوین هاکنینگ، آنجلا دیویس و کرنل وست توسعه یافت. [۴]

دریک بل در کتابی با نام "Race, Racism, and American Law" به بررسی تبعیض نژادی در سیستم حقوقی آمریکا می‌پردازد. او همچنین به تألیف کتاب‌ها و مقاله‌های دیگری در حوزه حقوق و نظریه انتقادی نژادی پرداخته است. دریک بل از منتقدان قوی تبعیض نژادی در جامعه آمریکا بود و تأکید داشت که تغییرات اساسی باید در سیاست‌ها و عملکرد سازمان‌ها صورت گیرد تا تبعیض نژادی مهار شود. او ایده «استقلال از تبعیض» را مطرح کرد و مردم را به تعهد به اصول انصاف اجتماعی تشویق می‌کرد. [۵]

آلن فریمن به همراه دیگر اقتصاددانان مارکسیستی، به توسعه نظریه نظام جهانی کپیتالیستی و نقش استعمار، تبعیض اقتصادی و تبعیض نژادی در این نظام توجه ویژه‌ای داشت. او از نظریه «نرخ بهره‌وری معادله نمی‌شود» (the rate of profit does not equalize)،

به عنوان یکی از مباحث مهم در تحلیل اقتصاد سیاسی آمریکا و تبعیضی که در آن برای طبقات مختلف جامعه رخ می‌دهد، استفاده کرد. [۶] کیمبرل کرنشاه (Kimberlé Crenshaw) از بنیان‌گذاران تئوری تداخل (Intersectionality) است. او به شدت به تبعیض‌های نژادی و جنسیتی در جامعه تأکید دارد و مفهوم تداخل را برای تحلیل چگونگی تداخل این دو نوع تبعیض ارائه داده است. کرنشاه، تئوری تداخل را برای فهم تبعیض نژادی در جامعه آمریکا این چنین توصیف می‌کند: [۷]

«به عبارت دقیق‌تر، تئوری تداخل به ما می‌آموزد که افراد نه تنها با یک عامل تبعیضی روبه‌رو نمی‌شوند بلکه با ترکیبی از این عوامل در زندگی‌شان روبه‌رو می‌شوند؛ به عبارت دیگر، تداخل میان این عوامل می‌تواند تجربه‌های یک فرد را به شکلی کاملاً منحصر به فرد و پیچیده شکل دهد. مثالی از تداخل می‌تواند تجربه یک زن آفریقایی-آمریکایی باشد که با تبعیض نژادی و جنسیتی، هم‌زمان روبه‌رو می‌شود. این زن ممکن است تجربه تبعیض بیشتری نسبت به زنان سفید و یا مردهای آفریقایی-آمریکایی داشته باشد. تئوری تداخل به ما یادآوری می‌کند که نباید تبعیض‌ها را به صورت مجزا از یکدیگر در نظر گرفت و بلکه تأثیر ترکیبی از آنها را در تحلیل تجربه‌های افراد در نظر بگیریم. تئوری تداخل به ما کمک می‌کند تا بهترین درک ممکن از موقعیت‌های اجتماعی، تبعیض‌ها و اجزای مختلف هویت افراد را داشته باشیم و به تحلیل بهتری از مسائل مرتبط با تبعیض، نسبت به تک بعدی‌های ساده‌تر از آن پرداخته باشیم.»

ریچارد دلگادو در کتابی با نام: Critical Race Theory: An Introduction و تئوری‌هایی که دلگادو به آنها پرداخته است، به تحلیل تبعیض نژادی از دیدگاه حقوقی و اجتماعی می‌پردازد و تأکید دارد که تبعیض نژادی به صورت ساختاری و نه تنها به صورت فردی وجود دارد. [۸]

هربرت مارکوز، یکی از نظریه‌پردازان مهم و تأثیرگذار در حوزه نظریه انتقادی نژادی، این دیدگاه را به شکلی گسترده مطرح کرده است که نقش بسیار مهمی در توسعه این نظریه داشته است. وی در اثرهای گوناگونی از جمله کتاب «تبعیض نژادی و کلاسی» (Race and Class) و «سیاست همه چیز» (The Politics of Everybody) به بررسی تبعیض نژادی در جامعه و نقش نژادپرستی پرداخته است. مارکوز به عنوان یک نقاد جامعه‌شناسی و نظریه‌پرداز نژادی، به تأکید بر نقش نظام سرمایه‌داری و اقتصادی در تبعیض نژادی پرداخت. او از دیدگاه نظریه انتقادی نژادی، به تبیین این موضوع پرداخت که تبعیض نژادی نه تنها به عنوان مسئله فردی و فردی در نظر گرفته نشود بلکه به عنوان یک پدیده ساختاری و جامعه‌شناختی در نظر گرفته شود.

مارکوز معتقد است که تبعیض نژادی به شدت با تفاوت‌های اقتصادی و طبقاتی ترکیب شده است و بر اساس این دیدگاه، تبعیض نژادی و تبعیض طبقاتی، ارتباط مستقیمی با یکدیگر دارند. او تأکید دارد که نظام سرمایه‌داری و اقتصادی، تبعیض نژادی را تشدید می‌کند و از آن بهره می‌برد تا نفع خود را حفظ کند. به علاوه، مارکوز به اهمیت نقد نظام‌های قدرت و نظریه‌پردازی انتقادی در تغییر جامعه و مبارزه با

تبعیض نژادی اشاره می‌کند. او تأکید دارد که برای مبارزه مؤثر با تبعیض نژادی، نیاز به تغییرات سیاسی و اقتصادی جدی و همچنین تفکر نقادانه و تحلیلی داریم. [۹]

فرانک فانون، یکی از نظریه‌پردازان برجسته در زمینه نظریه انتقادی نژادی، دیدگاه‌های مهمی را در مورد تبعیض نژادی و نقش نژادپرستی در جامعه ارائه داده است. وی در آثار خود، به تبیین تبعیض نژادی به عنوان یک پدیده گسترده و چندجانبه پرداخته است و نقش نظام‌های اجتماعی و سیاسی در نگاه به نژاد را مورد تحلیل قرار داده است.

فرانک فانون، به تبعیض نژادی به عنوان یک نقض اساسی حقوق بشر و عدالت اجتماعی اشاره می‌کند. او تأکید دارد که تبعیض نژادی نه تنها به تفاوت‌های فیزیکی میان انسان‌ها بستگی ندارد بلکه نتیجه سیستم‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است که تبعیض را حفظ و تشدید می‌کنند.

یکی از مفاهیم مهمی که فرانک فانون مطرح می‌کند، نقش نظام‌های قدرت در تعیین تبعیض نژادی است. وی معتقد است که نظام‌های قدرتی مانند دولت و نهادهای اجتماعی، تبعیض نژادی را حفظ می‌کنند و به عنوان وسیله‌ای برای حفظ نفع و تفوق یک گروه نسبت به دیگران از آن استفاده می‌کنند. در اثرهای خود، فانون به تأکید بر نقد و انتقاد از تبعیض نژادی و نظام‌های قدرتی که آن را حمایت می‌کنند، پرداخته است و تأکید دارد که نیاز به تحولات اجتماعی و سیاسی جدی، برای مبارزه با تبعیض نژادی داریم. [۱۰]

پولو فریره، نظریه‌پرداز معتبر و تأثیرگذار در زمینه نظریه انتقادی نژادی، دیدگاه‌های مهمی را درباره تبعیض

و نشان می‌دهند که چگونه این معیارها می‌توانند تبعیض‌آمیز باشند. [۱۲]

ساختار، مانع اصلی رفع نشدن تبعیض نژادی در جامعه آمریکا

بررسی آرا و نظرات اندیشمندان متخصص در حوزه نظریه انتقادی نژادی و همچنین ماهیت تولیدی این نظریه، نشان می‌دهد که عامل اصلی تبعیض نژادی در جامعه آمریکا، ساختار و سیستم حاکم بر این جامعه است که رویارویی با آن را به چند دلیل به یکی از معضلات اساسی جامعه آمریکا تبدیل کرده است:

۱. ابعاد گسترده: تبعیض نژادی ساختاری معمولاً افراد بی‌شماری در سازمان‌ها و نهاد‌های دولتی یا خصوصی را شامل می‌شود. این نوع تبعیض، به تعداد زیادی از افراد و ساختارهای مختلف در سطح سیستمی گسترده شده است؛ بنابراین، پاک‌سازی این نوع تبعیض، نیاز به برنامه‌ریزی و تدابیر گسترده‌تری دارد.

۲. ارتباطات و تورفتگی‌ها: در تبعیض نژاد ساختاری، معمولاً ارتباطات و تورفتگی‌های بسیاری وجود دارد که سبب می‌شود شناختن و ردیابی این تبعیض‌ها دشوارتر شود. افراد واقع در این سازمان‌ها ممکن است به وسیله روابط و تورفتگی‌ها، از تحقیقات و تحلیل‌های بیرونی محافظت کنند.

۳. تأثیر سیستمی: تبعیض نژاد ساختاری معمولاً به نحوی به سیستم اداری یا سازمانی وابسته است و می‌تواند به طور مستقیم یا غیرمستقیم تأثیرات منفی بر جامعه داشته باشد. پاک‌سازی این نوع تبعیض، به تدابیر سیاسی و اجتماعی مؤثری نیاز دارد که ممکن است با مقاومت و مخالفت‌های زیادی روبه‌رو شود.

نژادی و نقش نظام‌های اجتماعی در تشدید آن مطرح کرده است. وی به بررسی معناشناختی نقش نژاد و تأثیر آن بر تعاملات اجتماعی پرداخته است و بر اهمیت نقد و تحلیل عمیق تبعیض نژادی در جوامع اشاره دارد. پولوفریه در اثرهای خود به تأکید بر این نکته پرداخته است که نظریه انتقادی نژادی، باید به عنوان یک دیدگاه تحلیلی و بررسی عمیق نقش نژاد در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی مورد توجه قرار گیرد. او به معنای اجتماعی نژاد و نقش آن در تبعیض اجتماعی اشاره می‌کند و می‌گوید که تفاوت‌های نژادی نه تنها تحت تأثیر تفاوت‌های فیزیکی قرار نمی‌گیرند بلکه از نظر نقش اجتماعی نیز باید تحلیل شوند.

فریبه به اهمیت نقد نظام‌های اقتصادی و اجتماعی در تبعیض نژادی اشاره می‌کند. او معتقد است که نظام‌های سرمایه‌داری و نظام‌های قدرت می‌توانند تبعیض نژادی را تشدید کنند و نقش مهمی در حفظ تبعیض داشته باشند. به علاوه، او به تأکید بر نقش آموزش و فرهنگ در ترسیم و تقویت تصاویر نژادی و تبیین تبعیض نژادی می‌پردازد. [۱۱]

بل کوهن و کوین هاکینگ در کتاب (Color Conscious: The Political Morality of Race) تلاش می‌کنند تا نظریه و عملکرد نژاد و تبعیض نژادی را در جامعه آمریکا با ذریعه تحلیل اختلافات نژادی بررسی کنند. هاکینگ و کوهن بر اهمیت مفهوم نژاد و تأثیر آن بر تعیین سیاست‌های عمومی و اخلاق جامعه تأکید دارند. کوهن و هاکینگ به تحلیل تغییرات در فهم نژاد و تبعیض نژادی از زمان جنگ داخلی آمریکا تا زمان حال می‌پردازند. آنها به اهمیت نقش معیارهای نژادی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی اشاره می‌کنند

Philosophy of Race". In Zalta, Edward N. (ed.). *Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Fall 2021 ed.).

• 8-Delgado, Richard (1995). "Rodrigo's Tenth Chronicle: Merit and Affirmative Action". *Georgetown Law Journal*. 83 (4): 1711–1748. SSRN 2094599

• 9-Yosso, Tara J. (March 2005). "Whose culture has capital? A critical race theory discussion of community cultural wealth" (PDF). *Race Ethnicity and Education*. 8 (1): 69–91. doi:10.1080/1361332052000341006.

• 10-Dawsey, Josh; Stein, Jeff (September 5, 2020). "White House directs federal agencies to cancel race-related training sessions it calls 'un-American propaganda'". *The Washington Post*. ISSN 0190-8286. Archived from the original on September 11, 2020.

• 11-Leonardo, Zeus (2013). "The story of schooling: critical race theory and the educational racial contract". *Discourse: Studies in the Cultural Politics of Education*. 34 (4): 599–610. doi:10.1080/01596306.2013.822624

• 12-Harris, Cheryl I. (June 1993). "Whiteness as Property". *Harvard Law Review*. 106 (8): 1707–1791. doi:10.2307/1341787. JSTOR 1341787. Reprinted in Crenshaw et al. (1995, pp. 276–292)

• 13-Hacking, Ian (2003). *The social construction of what?*. Cambridge, Mass.: Harvard University Press. ISBN 978-0-674-00412-2.

۴. تغییرات نهادی: پاک‌سازی تبعیض نژادی ساختاری، نیازمند تغییرات نهادی عمیق در سیاست‌ها، قوانین و ساختارهای اجتماعی است. این تغییرات ممکن است زمان‌بر باشند و روبه‌رو با مقاومت‌های قدرتمندی از افراد و گروه‌هایی باشند که از حفظ وضعیت کنونی بهره‌مند هستند. [۱۳]
با این حال، پاک‌سازی تبعیض نژاد ساختاری، برای حاکمیت آمریکا یک امر ضروری است؛ زیرا این نوع فساد می‌تواند به مشکلات جدی اقتصادی و اجتماعی برای این کشور تبدیل شود.

منابع

• 1-<https://www.heritage.org/education/commentary/critical-look-critical-race-theory-americas-classrooms>

• 2-Wallace-Wells, Benjamin (June 18, 2021). "How a Conservative Activist Invented the Conflict Over Critical Race Theory". *The New Yorker*. Retrieved June 19, 2021.

• 3-Meckler, Laura; Dawsey, Josh (June 21, 2021). "Republicans, spurred by an unlikely figure, see political promise in critical race theory". *The Washington Post*. Vol. 144. ISSN 0190-8286. Retrieved June 19, 2021.

• 4-Kahn, Chris (July 15, 2021). "Many Americans embrace falsehoods about critical race theory". *Reuters*. Retrieved January 22, 2022.

• 5-Bell, Derrick A (1970). *Race, Racism, and American Law*. Cambridge, Mass.: Harvard Law School. OCLC 22681096.

• 6-Harpalani, Vinay (August 12, 2013). "DesiCrit: Theorizing the Racial Ambiguity of South Asian Americans". *New York University Annual Survey of American Law*. 69 (1): 77–183. SSRN 2308892. Archived from the

• 7-Alcoff, Linda (2021). "Critical